



# جمهوری اسلامی ایران و سازمان همکاری شانگهای

مهدی شاپوری\*

## اشاره:

نشست سران سازمان همکاری شانگهای در اوایل تیرماه ۱۳۹۵ در تاشکند پایتخت ازبکستان برگزار شد. با توجه به حل و فصل مسئله هسته‌ای و رفع تحریم‌های شورای امنیت سازمان ملل علیه ایران، این انتظار وجود داشت که با شروع فرآیند عضویت رسمی کشورمان در این سازمان موافقت شود. اما این گونه نشد و بر اساس اخبار منتشر شده، دو عضو این سازمان، یعنی تاجیکستان و چین، با عضویت دائم ایران مخالفت کرده‌اند. در این نوشتار، ضمن اشاره به ماهیت، اهداف و کارکرد سازمان همکاری شانگهای، نگاه ایرانی‌ها به این سازمان و چالش‌ها و ضرورت‌های عضویت دائم در آن مورد بررسی قرار می‌گیرد.

## مقدمه

ایران در سال ۲۰۰۵ به عضویت ناظر سازمان همکاری شانگهای درآمد. یک سال بعد به صورت غیررسمی تقاضای عضویت کامل کرد و در سال ۲۰۰۸ نیز به صورت رسمی این تقاضا را مطرح نمود. با این حال، تا کنون بحث عضویت دائم ایران در دستور کار این سازمان قرار نگرفته و به بهانه‌های مختلف درخواست کشورمان در این مورد رد شده است. تا قبل از توافق هسته‌ای میان ایران و ۵+۱ استدلال سازمان همکاری شانگهای و اعضای دائم آن عبارت از این بود که ایران به دلیل تحریم‌های شورای امنیت سازمان ملل در مسئله هسته‌ای، نمی‌تواند عضو دائم سازمان شود. در دور اخیر نشست سران این سازمان در تاشکند در اوایل تیرماه، بار دیگر با عضویت دائم ایران مخالفت شد تا مشخص شود که بحث تحریم‌های سازمان ملل به‌عنوان مانع پذیرش عضویت

دائم ایران، بهانه‌ای بیش نبوده است. هر چند روس‌ها گفته‌اند رد عضویت ایران به دلایل «فنی» بوده، اما به نظر می‌رسد مسیر عضویت دائم ایران چندان ساده نیست و با چالش‌هایی روبه‌روست. با توجه به ماهیت، اهداف و کارکرد سازمان همکاری شانگهای جمهوری اسلامی ایران برای عضویت در این سازمان با چه چالش‌هایی روبرو است؟ در همین حال ایرانی‌ها چه نگاهی به این سازمان دارند و به دنبال چه اهداف و منافع هستند؟

## سازمان همکاری شانگهای: ماهیت، اهداف و کارکرد

سازمان همکاری شانگهای در ژوئن ۲۰۰۱ و توسط شش کشور چین، روسیه، تاجیکستان، قرقیزستان، ازبکستان و قزاقستان تأسیس شد. البته پنج سال قبل از این تاریخ، یعنی در سال ۱۹۹۶، گروه «شانگهای پنج» متشکل از همین کشورها به استثنای ازبکستان، به منظور تعمیق اعتماد نظامی در مرزهای منطقه، تشکیل شده بود و در واقع موفقیت نسبی «شانگهای پنج» در تأمین اهداف خود و نیز تمایل ازبکستان به پیوستن به این گروه بود که باعث شد ایده ایجاد «سازمان همکاری شانگهای» شکل بگیرد. بدین ترتیب، سازمان همکاری شانگهای با هدف اعتمادسازی و تقویت اعتماد متقابل و حسن همجواری میان دولت‌های عضو، با هدف حفظ صلح، ثبات و امنیت منطقه‌ای و ایجاد



یک نظم سیاسی و اقتصادی بین‌المللی دموکراتیک، منصفانه و عقلانی جدید شکل گرفت و تأکید آن عمدتاً بر مقابله با به اصطلاح «سه شیطان»، یعنی تروریسم، جدایی‌طلبی و افراط‌گرایی است. این سازمان هم‌اکنون شش عضو دائم دارد؛ از دو کشور هند و پاکستان نیز دعوت به عمل آورده تا روند عضویت دائم را شروع و تکمیل کنند و چهار عضو ناظر شامل ایران، افغانستان، بلاروس و مغولستان در آن حضور دارند. این سازمان همچنین دارای شش شریک گفتگو، مشکل از ارمنستان، آذربایجان، کامبوج، نپال، سریلانکا و ترکیه است.

مقابله با قاچاق مواد مخدر، سلاح و مهاجرت غیرقانونی، ارتقاء استاندارد زندگی مردمان کشورهای عضو، ارتقاء حقوق بشر و آزادی‌های بنیادین مطابق با تعهدات بین‌المللی دولت‌های عضو و نیز قوانین داخلی خودشان، همکاری برای جلوگیری از درگیری‌های بین‌المللی و حل و فصل مسالمت‌آمیز آنها و تلاش مشترک برای رسیدن به راه‌حلی برای مسائل و مشکلات قرن ۲۱ از جمله دیگر اهداف و وظایفی هستند که منشور سازمان همکاری شانگهای برای این سازمان تعریف کرده است. احترام متقابل به حاکمیت، استقلال، یکپارچگی سرزمینی و مصونیت مرزهای دولت‌ها، عدم تجاوز، عدم مداخله در امور داخلی یکدیگر، عدم استفاده از زور یا تهدید به استفاده از آن در روابط بین‌الملل، عدم تعقیب برتری نظامی یکجانبه در نواحی مجاور، برابری همه اعضا، جستجوی مواضع مشترک بر اساس فهم متقابل و احترام به عقاید هر کدام از اعضا، حل و فصل صلح‌آمیز مناقشه‌های میان دولت‌های عضو، عدم تقابل سازمان همکاری شانگهای با دولت‌ها و سازمان‌های دیگر و جلوگیری از اقدامات غیرقانونی علیه منافع سازمان، مهمترین اصول مطرح شده در منشور سازمان همکاری شانگهای هستند که دولت‌های عضو باید آنها را رعایت کنند.

منشور سازمان همکاری شانگهای، حوزه‌های همکاری در درون این سازمان را نیز بسیار گسترده تعریف کرده است و از حفظ صلح و ارتقای امنیت و اعتماد در منطقه گرفته، تا تلاش برای خلع سلاح و کنترل تسلیحات، ارتقاء همکاری‌های اقتصادی منطقه‌ای، استفاده موثر از زیرساخت‌های ارتباطی و حمل و نقل، بهبود توانایی‌های ترانزیتی دولت‌های عضو، توسعه سیستم انرژی، مدیریت منابع آبی در منطقه، اجرای پروژه‌ها و برنامه‌های مشترک محیط‌زیستی، همکاری متقابل در جلوگیری از فجایع طبیعی و غیرطبیعی و رفع پیامدهای آنها، توسعه تعاملات در حوزه‌های علمی و تکنولوژیکی، آموزش، بهداشت، فرهنگ، ورزش و توریسم را در بر می‌گیرد. علاوه بر این، یکی از بندهای ماده ۳ منشور فوق که در مورد «حوزه‌های همکاری»

است، می‌گوید که «دولت‌های عضو سازمان همکاری شانگهای ممکن است بر اساس توافق متقابل، حوزه‌های همکاری را گسترش دهند».

در مورد اینکه سازمانی با این ویژگی‌ها و عملکرد، چه کار کرد، ماهیت و اهدافی دارد، اختلاف‌نظر وجود دارد. برخی از این سازمان با عناوینی مانند «اتوی شرقی»، «ورشو جدید» و «نسخه چینی ناتو» یاد می‌کنند. چنین عناوینی بیشتر یادآور نوعی رقابت نظامی-امنیتی است که در دوران جنگ سرد، میان شرق و غرب وجود داشته است و در واقع کسانی که این گونه به سازمان همکاری شانگهای نگاه می‌کنند، بیشتر تمایل دارند بُعد امنیتی-نظامی این سازمان را برجسته نمایند. در این مورد مثلاً به اختلافات روسیه و غرب و تشدید آن در چند سال اخیر و نیز افزایش سطح اختلافات و تنش‌ها میان آمریکا و چین در شرق آسیا به خصوص در دریای جنوبی چین اشاره می‌شود. عده‌ای معتقدند سازمان همکاری شانگهای بیشتر کارکرد و اهداف انتظامی-امنیتی دارد تا نظامی-امنیتی؛ یعنی بیش از آنکه یک بلوک شرقی در برابر غرب باشد، نوعی سازمان پلیسی برای برخورد با مسائلی مانند تروریسم، جدایی‌طلبی، افراط‌گری، قاچاق اسلحه، مواد مخدر، مهاجرت غیرقانونی و... است.

برخی نیز معتقدند که کارکرد و هدف این سازمان، حفاظت از رژیم‌های غیردموکراتیک دولت‌های عضو است. در این میان عده دیگری بر این باورند که سازمان همکاری شانگهای در راستای اهداف بلندپروازانه چین و حرکت تدریجی این کشور برای گسترش نفوذ خود در نظام بین‌الملل تشکیل شده است.

### نگاه ایرانی‌ها نسبت به عضویت در سازمان همکاری شانگهای

دیدگاه‌های متفاوت و بعضاً متناقضی در میان ایرانی‌ها درباره ضرورت عضویت یا عدم



عضویت سازمان شانگهای وجود دارد. برخی معتقدند ایران با عضویت دائم در این سازمان، می‌تواند موقعیت و نفوذ خود را در منطقه و نظام بین‌الملل تقویت کند. یک استدلال این است که «ایران بایستی از انزوای راهبردی خود در معادلات جهانی و منطقه‌ای خارج شود و در نبود امکاناتی برای ایجاد و محوریت یک نهاد موثر خودی و عضویت برابر در یک اتحاد راهبردی، گزینه‌ای چون این سازمان می‌تواند راه میانه‌ای باشد». توضیح و توجیه طرفداران این دیدگاه در مورد ضرورت عضویت ایران در سازمان همکاری شانگهای این است که ایران به لحاظ عضویت در نهادهای منطقه‌ای مؤثر، ضعیف است، در حالی که همسایگان جنوبی، شمالی، شرقی و غربی آن در نهادها و سازمان‌های منطقه‌ای مختلف عضویت داشته و از این طریق به افزون‌سازی قدرت و تأمین منافع خود مبادرت می‌کنند. این در حالی است که ایران تنها در یک سازمان منطقه‌ای یعنی اکو عضویت دارد که سازمان اقتصادی محدودی است. در چنین شرایطی، اگر ایران بتواند در سازمان همکاری شانگهای عضو شود، با فرصت‌ها، مزایا و مطلوبیت‌های بسیاری روبه‌رو خواهد شد.

در دیدگاه موافق عضویت دائم ایران در سازمان همکاری شانگهای، بحث‌های مختلفی مطرح می‌شود و استدلال‌های متعددی در باب اثرات مثبت سیاسی، امنیتی، اقتصادی و فرهنگی عضویت در این سازمان مطرح شده است. برخی بر اهمیت عضویت در این سازمان برای ارتقاء ضریب امنیتی ایران در برابر دشمنان و رقبای جهانی و منطقه‌ای تأکید دارند. عده‌ای معتقدند منطقه‌گرایی و نهادها و سازمان‌های منطقه‌ای جزو روندهای سیاسی و اقتصادی مهم جهان در دنیای امروز هستند و ایران نباید از قافله عضویت در این روندها عقب بماند. گروهی معتقدند باید با عضویت در سازمان

همکاری شانگهای، از فرصت طرح‌های اقتصادی بزرگی مانند «یک کمربند، یک جاده» که چینی‌ها برای گسترش همکاری‌ها و نفوذ بین‌المللی خود مطرح نموده‌اند، استفاده کرد. فرصت همکاری با هند و روسیه به عنوان دو قدرت بزرگ به اصطلاح «نوظهور» نیز از جمله مباحثی است که مطرح می‌شود. امکان گسترش همکاری با نهادها و سازمان‌های دیگری که این سه قدرت نوظهور یعنی چین، روسیه و هند در آنها نقش تعیین‌کننده دارند، مانند بریکس (متشکل از پنج قدرت نوظهور جهانی شامل چین، روسیه، برزیل، هند و آفریقای جنوبی) نیز استدلال دیگری است که در این مورد بیان شده است.

نزدیک‌تر شدن به کشورهای آسیای مرکزی و استفاده از این فرصت برای پیشبرد منافع و اهداف خود در رابطه با این منطقه، دلیل دیگری است که موافقان عضویت ایران در سازمان همکاری شانگهای عنوان می‌کنند. در مقابل، دیدگاه‌ها و استدلال‌هایی نیز در مخالفت با عضویت ایران در سازمان شانگهای وجود دارد. برخی معتقدند عضویت در سازمان شانگهای با قانون اساسی ایران که بر ضرورت استقلال از قدرت‌های بزرگ تأکید دارد، منافات دارد. بر مبنای این استدلال چین و روسیه بر این سازمان سلطه دارند و اجازه نخواهند داد ایران دستورکار مستقلی را در پیش بگیرد و بنابراین کشورمان مجبور خواهد شد از دستورکار آنها پیروی نماید. بحث دیگر این است که برای تکمیل فرآیند عضویت دائم نیاز به امضای حدود ۳۰ سند وجود دارد که برخی از مفاد این اسناد ممکن است با قانون اساسی و منافع و اهداف جمهوری اسلامی ایران مغایرت داشته باشند. مسئله دیگر این است که با عضویت دائم در این سازمان، حوزه عمل سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران ممکن است محدود شود. عده‌ای هم معتقدند که در مورد اهمیت سازمان همکاری شانگهای در ابعاد مختلف اغراق شده و درک درستی نسبت به ظرفیت‌ها و توانایی‌های این سازمان در ایران وجود ندارد. برخی نیز بر این باورند که تعریف سازمان همکاری شانگهای و اعضای دائم آن از برخی مفاهیم مانند تروریسم و افراط‌گرایی و مصادیق آنها به سختی می‌تواند مورد قبول ایران باشد.

### چالش‌ها و ضرورت‌های عضویت در سازمان همکاری شانگهای

تعریف شش کشور عضو دائم سازمان شانگهای از «تروریسم»، «افراط‌گرایی» و «جدایی‌طلبی» متفاوت از تعریف ایران از این مفاهیم است. چین مسلمانان استان سین کیانگ را به بهانه افراط‌گرایی، تروریسم و جدایی‌طلبی به شدت سرکوب می‌کند و حتی به آنها



اجازه نمی‌دهد فرایض اسلامی مانند روزه گرفتن را به جای بیاورند. روس‌ها هم با مسلمانان چچن به سخت‌ترین و تبعیض‌آمیزترین شکل ممکن برخورد می‌کند. چهار عضو دائم دیگر سازمان شانگهای نیز جنبش‌های اسلامی در آسیای مرکزی را به شدت سرکوب می‌کنند. این کشورها گروه‌های اسلامی را مصداق بارز تروریسم و افراط‌گرایی تلقی کرده و در تلاشند سیاست‌ها و اقدامات خود را در مبارزه با این گروه‌ها در قالب سازمان همکاری شانگهای هماهنگ سازند. با این وضعیت، اینکه ایران بخواهد به درک مشترکی با اعضای سازمان همکاری شانگهای در مورد تروریسم، افراط‌گرایی و جدایی‌طلبی برسد و نیز امنیت هستی‌شناختی<sup>۱</sup> خود را که در جایگاه ام‌القرای جهان اسلام تعریف می‌کند، حفظ نماید، گزینه‌ای قابل تأمل است.

بیشتر جنبش‌های اسلامی در شش کشور عضو دائم سازمان همکاری شانگهای در اعتراض به خشونت، تبعیض و تحقیری شکل گرفته است که دولت‌ها و نظام‌های اقتدارگرای این کشورها با مردم خود به‌ویژه مسلمانان داشته‌اند. برای نمونه، آنچه امروز افراط‌گرایی و تروریسم در چچن خوانده می‌شود، محصول پاسخ ناشیانه روس‌ها به تقاضاهای مدنی مردم مسلمان این منطقه است. در تاجیکستان، امامعلی رحمان که به خود «پیشوای ملت» لقب داده است، حکومتی خانوادگی ایجاد کرده و هر مخالف یا رقیبی را به شدت سرکوب می‌کند. در قزاقستان و ازبکستان نیز وضعیت همین‌گونه است. همه شش کشور عضو دائم سازمان همکاری شانگهای منافع خود را در قالب حذف هویت اسلامی در جامعه خود تعریف کرده‌اند. از این رو خواسته‌های مسلمانان و نهضت‌های اسلامی در ادراک آنها به مثابه تروریسم، افراط‌گرایی و جدایی‌طلبی نقش می‌بندد.

برخی فکر می‌کنند با عضویت در شانگهای، ایران می‌تواند با هزینه کمتری سیاست مقابله با آمریکا را پیش ببرد. به نظر می‌رسد این نوع دیدگاه مبتنی بر نگاه جنگ سردی به ماهیت و کارکرد سازمان همکاری شانگهای است و با واقعیت فاصله دارد. روابط همه شش عضو دائم سازمان همکاری شانگهای با آمریکا بسیار نزدیک‌تر و بهتر از روابط‌شان با ایران است. بر اساس برآورد «دفتر نماینده تجاری ایالات متحده»<sup>۲</sup> در سال ۲۰۱۵ ارزش تجارت چین و آمریکا ۶۵۹/۴ میلیارد دلار بوده که ۴۹۷/۸ میلیارد دلار از این میزان، سهم صادرات چین به آمریکا و ۱۱۶/۶ میلیارد دلار آن نیز صادرات آمریکا به چین بوده است. همچنین در همین سال، ارزش تجارت چین و اتحادیه اروپا بیش از ۵۲۰ میلیارد دلار بوده که بیش از ۳۵۰ میلیارد دلار

آن سهم صادرات چین به کشورهای عضو این اتحادیه و ۱۷۰ میلیارد دلار نیز صادرات اتحادیه اروپا به چین بوده است. ارزش روابط تجاری روسیه با اتحادیه اروپا نیز در ۲۰۱۵ بیش از ۲۰۹ میلیارد دلار (شامل بیش از ۱۳۵ میلیارد دلار صادرات و ۷۳ میلیارد دلار واردات از این اتحادیه) بوده است. روابط دیگر اعضای دائم سازمان شانگهای با کشورهای اتحادیه اروپا و ایالات متحده نیز قطعاً بهتر از روابط آنها با جمهوری اسلامی ایران است.

اختلافات روسیه با آمریکا نیز روندی متفاوت با اختلافات میان ایران و آمریکا دارد. ارزش تجارت روسیه و آمریکا در ۲۰۱۵ با وجود تحریم‌های اخیر آمریکا علیه روسیه و اختلافات بی‌سابقه‌ای که این دو کشور در چند سال اخیر، در دوران بعد از جنگ سرد، پیدا کرده‌اند، بیش از ۲۳ میلیارد دلار بوده، که در این میان، تراز تجاری بیش از ۹ میلیارد دلار به نفع روسیه بوده است. در چنین شرایطی، بعید به نظر می‌رسد این کشورها منافع همکاری با مجموعه غرب و آمریکا را نادیده بگیرند. ضمن اینکه برای کشورهای همجوار چین و روسیه، روابط با دشمنان و رقبای منطقه‌ای ایران، بسیار حائز اهمیت است. با وجود این، نوعی رقابت و حتی تقابل بین دو قدرت اصلی سازمان شانگهای یعنی چین و روسیه با آمریکا قابل مشاهده است که بیشتر به رویکردها و جایگاه‌ها و نظام‌های سیاسی و اقتصادی این کشورها مربوط است. این رقابت‌ها را نمی‌توان نادیده گرفت، اما در مورد میزان و اهمیت آن در سیاست خارجی این کشورها نباید اغراق کرد. تجربه سال‌های تحریم هسته‌ای ایران نشان داد که آنها تمایلی به رویارویی با غرب بر سر مسایل ایران ندارند. آنها بیش از این که به فکر ایجاد پیمانی موازنه‌بخش در سطح جهانی باشند، در پی همکاری و همسویی با غرب هستند و تنها در منافع حیاتی خود این

1. Ontological security  
2. Office of the United State Trade Representative

آن، فعالانه رفتار کرد. این منطقه به لحاظ تاریخی و فرهنگی، بسیار به ایران نزدیک است و در پیش گرفتن رویکردهای منفعلانه در رابطه با آن، باعث نه تنها هدر دادن فرصت‌ها و منافع همکاری با آن می‌شود، بلکه ممکن است رقابت دیگران در این منطقه، برای منافع و امنیت ملی ایران تهدیداتی را ایجاد نماید. بنابراین لازم است ایران با نگاه و رویکردی متفاوت نسبت به گذشته، عضویت در سازمان همکاری شانگهای را دنبال کند. تأمین اهداف و منافع خود در آسیای مرکزی، گسترش روابط و تقویت پیوندهای اقتصادی و سیاسی با کشورهای عضو سازمان، کمک به افزایش جایگاه بین‌المللی و توان چانه‌زنی آن در برابر سازمان‌ها و دولت‌های دیگر می‌تواند دلایل تلاش ایران برای عضویت در سازمان همکاری شانگهای باشد.

در این میان، تأکید عراق آمیز بر اهمیت اقتصادی سازمان همکاری شانگهای توسط عده‌ای، با واقعیات موجود متناقض است. ارزش کل تجارت چین و چهار کشور آسیای مرکزی عضو دائم سازمان همکاری شانگهای در سال ۲۰۱۴ کمی بیشتر از ۲۵ میلیارد دلار و ارزش تجارت روسیه و این چهار کشور نیز کمتر از ۲۴ میلیارد دلار بوده است. ارزش تجارت چین و روسیه هم در همین سال یعنی ۲۰۱۴، ۹۵ میلیارد دلار تخمین زده شده است. این در حالی است که در این سال ارزش تجارت خارجی چین و روسیه با اروپا و آمریکا چندین برابر این میزان بوده است. به هر حال، برای عضویت در سازمان همکاری شانگهای باید شناختی واقعی از ماهیت و اهداف آن داشت و برنامه منسجمی برای استفاده از ظرفیت‌های آن فراهم کرد که مبتنی بر واقعیات باشد. توجه به این نکته ضروری است که در نظام بین‌الملل برای پیشبرد منافع و اهداف خود باید اهرم‌های قوی داشت و از رفتارهای احساسی در برخورد با مسائل بین‌المللی اجتناب نمود. برای نمونه، هند هیچگاه درخواست عضویت دائم در سازمان همکاری شانگهای نداشته است، ولی در سال ۲۰۱۵ از این کشور درخواست شد روند عضویت دائم در این سازمان را شروع نماید. باید از تجارب موجود درس آموخت و از رفتارهای احساسی پرهیز کرد. حضور قدرت‌مند ایران در سازمان‌های بین‌المللی نیازمند قدرت فزاینده ایران در داخل و تقویت قدرت ایران در داخل مستلزم حضوری قدرت‌مند در عرصه بین‌المللی است.

### نتیجه‌گیری

در سال ۲۰۱۰ اعضای دائم سازمان همکاری شانگهای تصمیم گرفتند از پذیرش کشوری که تحت تحریم سازمان ملل است به عنوان عضو دائم، اجتناب کنند. هر چند با توجه به اهداف این سازمان

تقابل را نمایندگی می‌کنند. باید توجه داشت که برخورد قدرت‌های بزرگی مانند چین و روسیه با قدرت‌های منطقه‌ای مثل ایران بیشتر در چارچوب مناسبات قدرت‌های بزرگ و سیاست‌های کلان بین‌المللی آنها معنا پیدا می‌کند.

به نظر می‌رسد سازمان همکاری شانگهای بیش از همه، متمرکز بر مسائل امنیتی و رقابت‌ها در آسیای مرکزی است. سازمان همکاری شانگهای جایی است که دولت‌های آسیای مرکزی می‌توانند در پناه پکن و مسکو تا حدود زیادی نسبت به تداوم حیات خود، بدون توجه به خواسته‌ها و نیازهای مردم کشورشان، اطمینان داشته باشند. چین از این فرصت به عنوان دروازه ورود به آسیای مرکزی استقبال می‌کند. پاکستان و هند نیز تلاش می‌کنند با عضویت در این سازمان، در آسیای مرکزی نفوذ کنند و منافع سیاسی و اقتصادی خود را در آنجا پیش ببرند. روسیه هم برای مدیریت این رقابت‌ها در آسیای مرکزی و جلوگیری از تسلط چین یا نفوذ آمریکا در این منطقه و البته تقسیم هزینه‌های حفظ دولت‌های شخصی دوست خود در آسیای مرکزی با چین و دیگران و همچنین مقابله با خطرات و تهدیداتی که از سوی نیروهای اسلام‌گرا در این منطقه متوجه خویش می‌بیند، سازمان همکاری شانگهای را جدی می‌گیرد.

با وجود همه این مسائل، ایران نمی‌تواند نسبت به سازمان همکاری شانگهای بی‌تفاوت باشد. شاید عضویت در این سازمان منفعت زیادی عاید ایران نکند، اما عدم عضویت در آن ممکن است تهدیداتی برای منافع و امنیت ملی ایران به همراه داشته باشد؛ چون کشورمان به صورت مستقیم و غیرمستقیم از تحولات و رقابت‌های قدرت‌های بزرگ در آسیای مرکزی تأثیر می‌پذیرد و بنابراین باید در رابطه با منطقه آسیای مرکزی و مسائل و تحولات





بر خلاف چینی‌ها، مسکو تمایل بیشتری به تقویت موضع تقابل جوانه سازمان همکاری شانگهای با غرب و به‌خصوص آمریکا دارد. با وجود این، روس‌ها نیز در عمل چندان موافق تقابل با غرب نیستند، چون هزینه‌چنین کاری را بسیار بالا می‌دانند.

همچنین روسیه موافق افزایش نفوذ ایران در آسیای مرکزی و قفقاز نیست. علاوه بر این، دلایل دیگری نیز برای مخالفت این دو کشور با عضویت ایران در سازمان شانگهای وجود دارد. آنها نمی‌خواهند فرصت تعامل با دشمنان و رقبای ایران در منطقه‌ی خاورمیانه را تضعیف کنند. این دو کشور روابط خوبی هم از لحاظ سیاسی و هم از لحاظ اقتصادی با رقبای دشمنان ایران در خاورمیانه دارند و تمایلی ندارند با پذیرش عضویت ایران در سازمان همکاری شانگهای به این تلقی دامن بزنند که هم‌پیمان یکی از طرفین درگیری‌های خاورمیانه هستند؛ در واقع چنین چیزی به هیچ وجه به نفع آنها نیست. چین رابطه‌ی بسیار خوبی با عربستان سعودی، اسرائیل و دیگر بازیگران خاورمیانه دارد. شی‌جی‌پینگ، رئیس‌جمهور چین، قبل از سفر به ایران، ابتدا به عربستان رفت و سپس به ایران آمد. روسیه نیز با اسرائیل و مصر رابطه‌ی بسیار خوبی داشته و تلاش می‌کند از فرصت‌ها و منافع ارتباط عربستان و ترکیه و دیگر کشورهای منطقه هم به‌رغم اختلافاتی که در برخی موضوعات با آنها دارد، بهره‌برد. از این رو، ایران باید در تصمیم‌گیری‌های خود در سیاست خارجی این موضوع را در نظر داشته و مواضع راهبردی خود را با توجه به واقعیات دیپلماتیک متحدان بین‌المللی خود همچون چین و روسیه، تنظیم نماید.

و همچنین این نکته که چین و روسیه به عنوان دو عضو دائم شورای امنیت که از ۲۰۰۶ با قطعنامه‌های شورای امنیت علیه ایران موافقت کرده و به نوعی خودشان از طرف‌های مقابل ایران بوده‌اند و در نتیجه نمی‌توانستند با عضویت ایران در سازمانی که تحت رهبری آنهاست موافقت نمایند، این مسئله ممکن است قابل توجیه باشد، اما چرا بعد از توافق هسته‌ای میان ایران و ۵+۱ هنوز هم با عضویت ایران مخالفت می‌شود؟ مخالفت با عضویت دائم ایران در سازمان همکاری شانگهای بعد از توافق هسته‌ای و در مقابل، دعوت از پاکستان و هند برای عضویت دائم در این سازمان در سال ۲۰۱۵، این شائبه را ایجاد می‌کند که طرح این موضوع که کشور تحت تحریم سازمان ملل نمی‌تواند عضو دائم سازمان شود، بیشتر نوعی بهانه‌جویی برای رد درخواست عضویت دائم ایران بوده است.

تا قبل از ۲۰۱۰ بحث این بود که ازبکستان به دلیل مشکلاتی که با تاجیکستان دارد، بیم آن را دارد که با عضویت دائم ایران، موضع تاجیک‌ها تقویت شود و بنابراین با عضویت دائم ایران مخالفت می‌کند، اما در اجلاس اخیر سران شانگهای گفته می‌شود تاجیکستان با عضویت دائم ایران مخالفت کرده است. هر چند حمایت ایران از حزب نهضت اسلامی تاجیکستان و دعوت از رئیس آن، محی‌الدین کبیری، برای شرکت در کنفرانس وحدت اسلامی (دی ماه ۱۳۹۴) به‌عنوان دلیل مخالفت تاجیکستان با عضویت ایران ذکر شده، اما به نظر می‌رسد ازبکستان و تاجیکستان، در پذیرش یا رد درخواست عضویت یک کشور در سازمان همکاری شانگهای، تأثیرگذاری محدودی دارند. در واقع، هر چند تصمیم‌گیری در این سازمان مبتنی بر اجماع اعضای دائم است و بر روی کاغذ هر شش عضو دائم به یک میزان در تصمیم‌گیری‌ها نقش دارند، اما چین و روسیه در تعیین دستورکارها و خط‌ومشی‌های سازمان از نقش تعیین‌کننده‌تری برخوردارند.

موضع چین در مورد پذیرش اعضای جدید محافظه‌کارانه است و گفته می‌شود به دلیل مواضع ضدغربی و ضدآمریکایی جمهوری اسلامی، پکن مخالف عضویت دائم ایران در سازمان همکاری شانگهای است و تمایلی ندارد با موافقت با عضویت تهران در این سازمان، بهانه به دست غربی‌ها بدهد. با توجه به حجم گسترده‌ی مناسبات چین به ویژه در زمینه‌های اقتصادی و تجاری با اروپا و آمریکا، این استدلال که پکن مخالف تقویت بُعد ضدغربی و ضدآمریکایی سازمان همکاری شانگهای است، منطقی و عقلانی به نظر می‌رسد. روسیه بیشتر موافق عضویت دائم ایران است، چون